عکس: مهدی حسنی/ شهروند

بررسی معمارانه پل طبیعت که برنده جایزه آقاخان شد

سلفی با تهران

پل طبیعت و الحاقات آن در تهران امروز رقیبی ندارد

این نوشته حاصل دومین جلسه گفت‌وگوی گروه نقد «ساو» در سلسله مباحث گفتمان نقد معماری و شهر است که با حضور مهمانان «نوید پورمحمدرضا» نویسنده و پژوهشگر شهرسازی، «لیلا میری» طراح معمار و شهرساز و اعضای گروه علی منصوری، لعیا میری، رها رستگار و کارشناسان ارشد معماری تشکیل شد.

در حوزه معماری به‌ندرت افتخارآفرینی یک اثر معماری در رقابت جهانی مایه غرور و مباهات ملی ایرانیان می‌شود -آنچنان که در رشته‌های ورزشی یا سینما پیش می‌آید- اما در هفته‌های اخیر یکی از این اتفاقات نادر به وقوع پیوست: پل طبیعت برنده جایزه آقاخان شد. جایزه معماری آقاخان هر سه‌سال یک‌بار از طرف بنیاد آقاخان به طرح‌هایی از جوامع مسلمان اعطا می‌شود که استانداردهای جدیدی در زمینه‌های معماری، شیوه‌های برنامه‌ریزی، حفاظت تاریخی و معماری منظر را ارایه داده باشند. هدف این جایزه شناسایی و تشویق پروژه‌هایی است که به‌خوبی نیازها و خواست‌های طرح را محقق کرده باشند. در بیانیه هیأت داوران در مورد پل طبیعت آمده است: تفسیر واضحی از خواست اصلی طرح که فراخوانی برای یک اتصال درست بین دو پارک بوده، «پل» را (از یک عامل ارتباط‌دهنده) به یک «مقصد» تبدیل کرده است. دعوت مردم به اجتماع، تعامل با یکدیگر و درک چشم‌انداز همه‌جانبه شهر، پل را درخور یک گردشگاه و یکی از موفق‌ترین فضاهای جمعی تهران مدرن کرده است. اما هیأت داوران آقاخان تنها گروهی نیست که از این پروژه استقبال کرده، پل طبیعت، یکی از مکان‌های پررنگ تهران امروز است که اقبال خوبی میان مردم یافته است. عموم تهرانی‌ها یا به ملاقات این پل رفته‌اند یا برای رفتن به این مکان مشتاق هستند. گردشگرانی که به تهران می‌آیند نیز گروه دیگری از بازدیدکنندگان مشتاق پل و پارک آب و آتش را تشکیل می‌دهند. حجم عکس‌های جمعی و انفرادی که از تجربه بازدید پل در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته می‌شود، نشان از محبوبیت این اثر میان اقشار مختلف جامعه دارد. حال که این پروژه توانسته اقبال عام و خاص را به خود جلب کند، خوب است از خود بپرسیم این ستاره نوظهور تهران چگونه خود را در دل همگان جا کرده‌است؟

بزرگراه مدرس یکی از شاهراه‌های شمالی جنوبی تهران است که در میانه راه خود از میان تپه‌های عباس‌آباد عبور می‌کند. پارک آب و آتش در غرب و پارک جنگلی طالقانی در شرق این بزرگراه از چندین سال پیش این محدوده را به فضایی جذاب تبدیل کرده‌اند که گذشتن یا حتی توقف طولانی در ترافیک آن، تجربه‌ای متفاوت و دلچسب برای تهرانی‌ها رقم می‌زند. محدوده‌ای چشم‌نواز برای رانندگان تهرانی که روز خود را در میان ساختمان‌های متراکم و افق‌های بسته شهر به شب می‌رسانند. دوسال پیش بود که این دره سبز مزین به پلی شد که امروز به نام پل طبیعت آن را می‌شناسیم. پل طبیعت بر فراز بزرگراه مدرس تپه‌های دو سمت اتوبان را به یکدیگر پیوند می‌دهد. سازه پل متشکل از سه پایه تنه‌مانند فلزی است که در بالا شاخه‌های فولادی‌شان از هم باز و امتداد شاخه‌ها لابه‌لای جداره‌های پل محو شده است. گویی، ستون‌های سازه‌ای درختانی فلزی‌اند که بدنه اصلی پل را روی شاخه‌های خود حمل می‌کنند. در بالا، عرشه پل مجموعه گذرگاه‌های فراخ سه طبقه‌ای است که با رمپ به یکدیگر راه پیدا می‌کنند. در پایین‌ترین طبقه دو رستوران در دو سمت پل و در طبقه بالایی دو نظرگاه بیضی‌شکل طراحی شده: این‌جا، همان‌جایی است که گردشگران به تماشای تصویری زیبا از تهران آشفته این روزها می‌ایستند: تپه‌های سبز عباس‌آباد، بزرگراه عریض و سبز مدرس و نمایی از ساختمان‌های بلند دوردست... درست مثل آن‌که عکاسی ماهر، زاویه‌ای مناسب را برگزیده که عیوب چهره را به خوبی پنهان می‌کند. درست در نقطه مقابل نمایی که از بالای برج میلاد به چشم می‌آید، تهران از بالای برج میلاد نه‌تنها سبز نیست که زیر لایه خاکستری از آلودگی پنهان است و از روی عرشه آن شهری ناهماهنگ، مغشوش و بی‌قاعده است. این جایگیری مناسب نخستین و شاید مهم‌ترین عامل انتخاب پل برای گشت‌وگذار است. همان تهرانی که چهره نامطبوعش را از فراز برج‌ها می‌توان دید این‌جا، از پل طبیعت، روی زیبا و خوشایندش را به شهروندان می‌نمایاند. جلوه‌ای مناسب برای نمایش «شهری که در آن زندگی می‌کنیم» به این ترتیب پل طبیعت رؤیای انسان شهرنشین برای تماشا و ثبت تصویر شهرش از نمای بالا را «به‌زیبایی» محقق کرده‌است.

پارک آب و آتش به‌عنوان سایت پروژه، از زمان شروع روند تبدیل شدن تهران به کلانشهری عظیم، موقعیت ویژه‌ای در شهر داشته و نقش متمایزی از دیگر فضاهای سبز بازی می‌کند: با جایگیری در منطقه‌ونک هم متعلق به منطقه گرانقیمت شهر است و هم در دسترس همه اقشار جامعه. به عقیده ورپل، یکی از نظریه‌پردازان شهرسازی، فضاهای عمومی شهرها یک عملکرد شاید ساده ولی مهم دارند و آن ترکیب مردم است بدون آن که آنها احساس خجالت یا تحت نظر بودن داشته باشند. این مکان جایی است که درجه و ارزش هر فردی برابر است و اکثریت مردم احساس می‌کنند این فضا متعلق به همه است. بنابراین دومین ویژگی پل طبیعت همه‌شمول‌بودن مجموعه پارک و پل است. از طرفی طراحی متفاوت پل با سازه‌ها و فضاها و عملکردهای نویی نظیر فودکورت، جام آسمان‌نما و ... شرایطی جذاب و ویژه برای این مکان ایجاد کرده است که حضور به هم رساندن در پارک آب‌وآتش و سلفی انداختن با پل طبیعت به نوعی تفریح فاخر بدل شده است. این جاگیری در فضای شهری، در کنار ویژگی‌های طراحی، شرایطی در اختیار شهروندان قرار می‌دهد تا فارغ از طبقات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در این فضا حضور پیدا کنند و نحوه گذران اوقات خود را «انتخاب» کنند، بی‌آن‌که حضور دیگری انتخاب‌شان را خدشه‌دار کند. این ویژگی، فضایی را به وجود می‌آورد که پیش از این کمتر در شهر محقق شده، برای مثال بام تهران که در برهه‌ای به نظر می‌رسید به خاطر ویژگی‌هایی نظیر ارایه چشم‌انداز خاصی از تهران یا تجمع عملکردهای متنوع در یک مکان از جهاتی پتانسیل لازم برای مبدل شدن به فضای جمعی شهری در مقیاس وسیع را دارا باشد، به دلیل موقعیت و دسترسی دشوار آن از نقاط مختلف شهر، این فرصت را از دست داد. در مقابل پارک آب و آتش با در اختیار داشتن هر آنچه برای همنشینی مردم نیاز است، فضایی فراهم آورده که در آن گونه‌ای از «فضایی دموکرات» به منصه ظهور می‌رسد؛ فضایی که پذیرای تمام مردم است، به انتخاب‌شان احترام می‌گذارد و همه به یک اندازه خود را در آن سهیم می‌دانند. به نظر می‌رسد در عصر فضاهای جمعی مجازی، تهران تشنه این دست فضاهای عمومی شهری است. لذا بهره‌گیری از خصلت دعوت‌کنندگی فضاهای دموکرات شهری، عامل دیگری برای موفقیت طرح بوده‌است.

> جایزه معماری آقاخان هر سه‌سال یک‌بار از طرف بنیاد آقاخان به طرح‌هایی از جوامع مسلمان اعطا می‌شود که استانداردهای جدیدی در زمینه‌های معماری، شیوه‌های برنامه‌ریزی، حفاظت تاریخی و معماری منظر را ارایه داده باشند. هدف این جایزه شناسایی و تشویق پروژه‌هایی است که به‌خوبی نیازها و خواست‌های طرح را محقق کرده باشند

بنا به آنچه گفته شد بستر قرارگیری پل پتانسیل بی‌مانندی برای دعوت مردم به حضور و تماشا بوده است. اما چگونگی محقق کردن این آرزوی شهر، خود عامل اثرگذار دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد. طراح، تصمیمات درست و هوشمندانه‌ای در شکل‌دهی فضاهای پل اتخاذ کرده که ارتقای کیفیت فضایی آن را به دنبال داشته است. ورودی پل واقع در پارک آب و آتش عرصه‌ای است که جمعیت را به روی پل می‌کشاند، عرشه پل هنگام رسیدن به پارک آب و آتش فراخ شده و جمعیت را به خود دعوت می‌کند. برای درک بهتر تأثیر این تصمیم می‌توان حالتی را متصور شد که راه ورود به پل تنها با گذر از یک ورودی هم‌عرض پل صورت می‌گرفت، به‌بیان دیگر نقش ورودی از یک مرز خطی صرف به یک سطح تبدیل شده: گویی طراح عرشه پل را چون سفره‌ای برابر مردم گسترانده است. پل در همین قدم نخست با ارایه حق انتخاب‌های مختلف به مراجعان خوشامد می‌گوید. از طرفی حرکت به روی پل را با استفاده از رمپ ملایم تسهیل می‌کند و از سمت دیگر پلکان ورودی انتخاب دیگری در اختیار مخاطب قرار داده است. خلق تنوع در همین فضای واسط به‌وسیله تغییر در مصالح کفسازی ورودی را به گزینه جذابی تبدیل کرده و بدین ترتیب ورودی پل یک مرز آنی و بارز نیست که فضای روی پل و پارک را به نحو شاخصی از یکدیگر جدا کند؛ بلکه ورودی فضای حایلی است که به آرامی گردشگران را از پارک به روی پل می‌کشاند. با ورود به عرشه پل مجددا مخاطب در معرض انتخاب قرار می‌گیرد: رمپ‌هایی که به سطوح پایینی و بالایی پل راه می‌یابند. با انتخاب هر کدام، پل داستان متفاوتی را برای گذرنده تعریف می‌کند. در طبقه بالا صحن‌های مدور چشم‌انداز وسیعی برای دیدن فراهم کرده و در طبقه پایین فضای محصور موقعیت دنج و آرامی را برای قدم زدن با نشستن او فراهم می‌کند. می‌توان گفت پل یک مسیر صاف و مستقیم نیست که مخاطب در سراسر آن تجربه یکسانی از فضا به دست آورد، بلکه مجموعه فضایی است که برای فهمیدن آن لازم است دست کم چندبار به ملاقات زوایای متنوع آن رفت. تصمیماتی از قبیل ایجاد بازی فضایی و تشویق مردم به پرسه‌زنی در فضا، ایجاد نظرگاه و به رخ کشیدن عرصه‌ای برای نگاه در ساختار طرح، عبور دید از جداره‌ها، جانمایی رستوران و کافه روی پل ترکیب فضای عبور با باغچه‌ها و گیاه‌کاری‌ها انتخاب‌های طراح است که موجب شده داستان متنوعی از پل در ذهن حاضران شکل بگیرد. بدین ترتیب طراح عرشه پل را نه‌تنها در عرض بلکه در ارتفاع وسعت داده و برخلاف معمول پل را برای مخاطب از گذرگاهی برای رفتن از سویی به سوی دیگر به «مکانی برای گشتن و اکتشاف» تبدیل کرده است. تأثیر این تعریف متفاوت از پل را در تفاوت میزان استقبال مردم از پل طبیعت و پل ساده و مینیمالیستی همت می‌بینیم که چند قدم آن سوتر پارک آب و آتش را به گنبد آسمان‌نما متصل کرده است. جایی که نه از طبقات متفاوت پل خبری است، نه از سیالیت فضایی، نه نظرگاه و نه سازه پرهیجان، در نتیجه خاطره مردم از پل همت به تجربه ساده‌ای از یک عبور تقلیل داده شده و انگیزه دیگری جز رسیدن به جبهه جنوبی پارک در مخاطب برنمی‌انگیزد. درنتیجه، تعریف فضای پل به گونه‌ای متفاوت، به وضوح اثر را از نمونه‌های موجود شاخص کرده‌است.

عامل چهارم تأثیر انکارناپذیر سازه غریب، تازه و پیچیده این پل بر ادراک مخاطب ایرانی است. در نگاهی کلی مخاطب پل را به صورت موجی مشبک متشکل از میله‌های متقاطع فلزی درک می‌کند که پایه‌های درخت مانندی آن را روی دستان خود نگاه داشته‌اند. این سازه خرپایی با بلند و کوتاه شدن اجزا و چرخاندن زاویه قرارگیری آنها به سمت داخل و خارج پل، شکل پویای موجی شکلی را به وجود آورده که در هماهنگی با فضای دینامیک روی عرشه پل است. باوجود تلاش طراح برای هرچه پویاتر کردن فرم پل، سازه پل طبیعت سنگین و جسیم به نظر می‌رسد. این تنومندی اجزا چالاکی را از سازه زدوده و حرکت مواج پل را مختل کرده است. با این حال می‌توان گفت که زبان طراحی سازه پل، حداقل برای جامعه عمومی مخاطبان ایرانی، تازگی و غرابت داشته و نوآورانه دیده شدن شکل پل در ایجاد موجی از هیجان در اطراف موضوع پل طبیعت بی‌تأثیر نبوده‌است.

امتیاز مهم دیگری که اثر از آن بهره‌مند است بی‌رقیب بودن است. پرسش این است که آیا شهروندان تهرانی انتخاب‌های دیگری برای تجربه فضاهای جمعی شهری اینچنینی دارند؟ تهران با توجه به جمعیت کلانش، چنان از فقر چنین فضاهای عمومی شهری رنج می‌برد که در صورت حذف این پل، پیدا کردن جانشینی برای آن دشوار خواهد بود. پل طبیعت و الحاقات آن در تهران امروز رقیبی ندارد و هرچند همین امر بر خاص بودن و یگانگی آن افزوده، اما شلوغی همیشگی (و گاهی بیش از حد) آن نشانه‌ای است برای لزوم توجه به فضاهای جمعی شهری به نحوی که پاسخگوی نیاز کلانشهری چون تهران باشد.

موفقیت پل طبیعت پدیده‌ای چند لایه است: لایه‌های زیرین آن، شناخت درست بستر، رفتارشناسی، جامعه‌شناسی و شهرسازی و معماری پوستی است که بر اندام آن کشیده شده و بر قابلیت‌های آن افزوده است. آنچه حایز اهمیت است شناخت پتانسیل فضاهای شهر و برنامه‌ریزی برای شکوفا کردن قابلیت پنهان فضاهای شهری است تا جای جای شهر برای مردمانش به فضاهایی دیدنی، شنیدنی و خاطره‌انگیز بدل شود. در این‌جا، سلسله برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌های بلندمدت تپه‌های عباس‌آباد با شناخت درست و موقعیت‌سنجی دقیق سعی بر آن داشته در طولانی مدت این مجموعه را به شناسنامه‌ای برای تهران بدل کند. احساس تعلق ما به شهر از دل این کوشش‌ها شکل می‌گیرد که برای حرکت و بهتر کردن شهری که دوستش داریم انگیزه و امید می‌دهد و در سلفی‌هایی که از روی پل طبیعت با تهران می‌گیریم، لبخندی بر لبان‌مان می‌نشاند.

پلی برای مردم و طبیعت

فاطمه صادقی | مترجم

پل طبیعت که با ۲۷۰متر طول لقب «طولانی‌ترین پل پیاده‌رو در ایران» را یدک می‌کشد، نخستین پروژه لیلا عراقیان است. طراحی این پل به زمانی برمی‌گردد که او تنها ۲۶سال داشت. پل طبیعت که ساخت آن دوسال طول کشید در سال ۱۳۹۳ افتتاح شد. از آن زمان به بعد این پل محلی برای گشت‌وگذار مردم و ورزش‌های صبحگاهی شد. عراقیان در گفت‌وگو با گاردین گفته است: «من نمی‌خواستم این پل صرفا مکانی برای اتصال دو پارک آب و آتش و طالقانی باشد. ایده من ساخت پلی بود که مردم را به توقف و توجه روی آن تشویق کند. پلی که به سادگی از روی آن عبور نکنند.» این سازه منحنی شکل روی سه ستون بزرگ ساخته شده است. پل طبیعت که سه طبقه دارد، محلی است برای کافه‌ها، رستوران‌ها، قدم‌زدن، دویدن، دوچرخه‌سواری و نشستن و لذت‌بردن. عراقیان افزود: «قبلا فکر می‌کردم این طرح برای همیشه روی کاغذ خواهد ماند و باور نمی‌کردم که روزی این سازه ساخته شود اما الان بر سازه‌ای قدم می‌زنم که زمانی تنها ایده‌ای در ذهنم بود. از استقبال مردم هم مطمئن نبودم. هم‌اکنون، دیدن مردمی که از پل لذت می‌برند، روی نیمکت‌ها می‌نشینند و مرتبا به آن‌جا می‌روند، احساس خوبی است و این رضایت، اعتمادبه‌نفس من را در آینده کاری‌ام بیشتر می‌کند.» به گزارش گاردین ساخت این پل اصلا آسان نبود. تحریم‌ها کار پروژه را به تعویق می‌انداخت. یک شرکت استرالیایی، نرم‌افزار کامپیوتری مورد نیاز ما را به دلیل تحریم‌ها با تأخیر در اختیارمان قرار داد. تحریم‌ها پس از ساخت پل هم برای عراقیان مشکل‌ساز بود. او به‌دلیل ایرانی‌بودن، از شرکت در مسابقات بین‌المللی معماری بریتانیا بازماند. مدیر برنامه در جشنواره جهانی معماری به عراقیان این‌گونه نوشت: «دولت بریتانیا خود را موظف به انجام تعهدات در برابر تحریم‌ها علیه ایران می‌داند، تحریم‌هایی که امیدواریم هرچه زودتر برداشته شوند.»

عراقیان از این‌که تحریم‌ها افراد معمولی مانند او را هدف قرار می‌دهند، عمیقا اظهار ناامیدی کرد: «مضحک است. من یک معمار ایرانی هستم و این یک فعالیت فرهنگی است که مطلقا ربطی به سیاست ندارد. این اقدام بسیار تبعیض‌آمیز است.»

در تهران اما او خوشحال است. خوشحال از اعتماد مسئولان و مقامات شهر به او که جوان بود و بسیار کم‌تجربه. او می‌گوید: «این اعتماد برای من بسیار ارزشمند است.»

او درباره ظهور ایده‌اش به الجزیره گفت: «من و دوستم از پلی کوچک در خیابان ظفر رد می‌شدیم که ناگهان چشم‌مان به کاناپه‌ای چرمی و قهوه‌ای‌رنگ، بیرون از یک ساختمان افتاد. کاناپه را به روی پل کشیدیم، روی آن نشستیم، به جوی آبی که از زیر پل رد می‌شد نگاه و به این فکر می‌کردیم که چه بهتر می‌شد اگر مردم روی پل‌ها تفریح و خوشگذرانی کنند، نه این‌که فقط از روی آن رد شوند.»

آن دوست، علیرضا بهزادی، همکار عراقیان در مهم‌ترین پروژه‌اش تا به امروز یعنی «پل طبیعت» بود. این پل را «سومین نماد تهران» می‌خوانند.

به گزارش الجزیره او در ادامه افزود: «معمولا پل‌ها به صورت یک خط مستقیم طراحی می‌شوند. این طراحی چشم‌اندازی را به وجود می‌آورد که به شما می‌گوید فقط برو. اما ما به دنبال طراحی پلی بودیم که مردم را روی آن متوقف کنیم. پل صرفا مکانی برای اتصال دو نقطه نیست، بلکه می‌تواند محلی برای توقف، تفریح و لذت هم باشد.»

عرض ورودی پل از سمت پارک آب و آتش ۶۰متر است و با گل‌های باغی تزیین شده و این‌گونه به‌نظر می‌رسد که هنوز قسمتی از پارک است. مسیرهای متعدد که همگی از «کامپوزیت صددرصد قابل بازیافت» ساخته شده‌اند، بازدیدکنندگان را به سطوح مختلف پل هدایت می‌کند. پل طبیعت که سه ستون درختی شکل آن را نگه می‌دارد، به صورت منحنی ساخته شده تا چشم‌اندازهای متفاوتی را در پیش روی بازدیدکنندگان بیاورد. برای همین وقتی روی آن قدم می‌زنید دقیقا نمی‌بینید به کدام سمت می‌روید. عراقیان و تیمش برای ساختن فوندانسیون پل به‌دنبال محلی می‌گشتند که کمترین تعداد درخت را داشته باشد. طبق گفته آقای بهزادی چالشی‌ترین بخش ساخت پل، نصب ۲هزار تن فولاد بر فراز بزرگراه بود. مهندسان مجبور به ساخت سکویی شدند تا از امنیت کارگران مطمئن شوند. تونل‌های موقت نیز برای جلوگیری از اصابت مصالح ساختمانی و دیگر اشیا به خودروهای درحال گذر از بزرگراه ساخته شدند. به‌دلیل تحریم‌های تجاری علیه ایران، ورود مصالح ساختمانی به داخل کشور و پرداخت پول آنها موجب تأخیر در روند پروژه شد.

عراقیان که در زمان ساخت‌وساز پل در کانادا مشغول به تحصیل بود، از همکارش می‌گوید: «کسی که من را به شرکت در مسابقه طراحی پل تشویق می‌کرد، آقای بهزادی بود و درطول ساخت پروژه تا انتها بر آن نظارت می‌کرد. او بود که در بدترین شرایط کنار من ایستاد. بدون بهزادی پلی ساخته نمی‌شد.»

آرش مظفری معماری که در ایران و کانادا مشغول به فعالیت است، می‌گوید که تهران به مکان‌های مردمی بیشتری مانند پل طبیعت نیاز دارد: «این فقط یک پل نیست. مکانی مردمی و محبوب است؛ یک فضای شهری برای پیاده‌ها.»

اگرچه از پل طبیعت در کنار برج آزادی و برج میلاد به‌عنوان نماد شهر تهران نام می‌برند اما آرش مظفری این سازه را قابل‌قیاس نمی‌داند: «برج‌های آزادی و میلاد بار سیاسی دارند، درحالی‌که پل طبیعت متعلق به مردم و طبیعت است.» او در پایان لیلا عراقیان را معماری جوان و بااستعداد می‌خواند که در آینده از او بیشتر خواهیم شنید.